

## همه چیز درباره شیطان پرستی



شیطان دشمن سرسخت انسان که از خلقت حضرت آدم تا به امروز پی در پی با او به مخالفت پرداخته، اهمیت شناخت و نحوه مواجهه با او از موضوعات مهم قرآنی است. در قرآن درباره شیطان آمده است: شیطان موجودی از گروه جنیان است (کهف 50)، چون جنیان از جنس آتش بی دود هستند بنابراین شیطان نیز از آتش است (حجر 27، الرحمن 15)، او در مقابل رب دست به طغیان زد (مریم 44)، و به او کفر ورزید (اسراء 27)، علت کفر و عصیان او در مقابل خدا به دلیل تمرد از سجده به پای انسان بود (بقره 34)، چون انسان به اسماء الهی آگاهی یافته بود و شیطان از این علم بی بهره بود (بقره 21)، او جنس خود را که از آتش بود برتر از خاک که جنس آدم است می داند و بر این اساس کینه و دشمنی انسان را سخت به دل گرفته است (اعراف 22، یوسف 5، اسراء 53، فاطر 6، زخرف 62)، و با سرکشی که به درگاه رب نموده است (نساء 117) او را وادار به دخالت در کار خدا بدون داشتن علم و آگاهی کند (حج 3)، دشمنی خود را با آدمیان به رخ آنها بکشد (زخرف 62)، آنها را وادار به طغیان و غوا کند (اعراف 175)، و حتی با داشتن علم الهی نیز ممکن است این طغیان و غوا صورت پذیرد او سعی می کند به وسیله انسان خلقت خدا را دگرگون کند (نساء 119) و سعی می کند که حزیش را بر جهان مسلط کند ولی خداوند حزب او را دچار خسران می کند (مجادله 19)، و نهایتاً سعی می کند که با مسخ کردن انسان و تصرف او، عذاب خدا را برا او جاری سازد (ص 41)، و او را به سوی عذاب سعیر سوق دهد (لقمان 21)، در دلش دائماً حزن و اندوه جاری سازد (مجادله 10)، آنها را از آخرت بی اعتقاد گرداند و در قیامت آنها را در کنار خود محشور ببیند (مریم 66 الی 68).

شیطان در تمام داستان‌های کهن و در تمامی ادیان وجود دارد، شیطان آمده است تا انسان خلیفه‌الله نباشد. شیطان پسان تاریکی مطلق در مقابل روشنایی و نور رحمت الهی است. هر چند در ابتدا بشر سعی داشت تا از شیطان دوری کند و از شر او در امان باشد اما بشر امروزی در پی فنا شدن در نیروی شیطان است.

\* معنویت گمشده بشر در قرن اخیر است، علت بازگشت انسان به معنویت چیست؟

هرجا که سر زدم همه در مرز بودن است کو مرز تازه‌ای که فراتر ز بودن است .

انسان معاصر، به دنبال گمشده خود در اقلیم و مملکت روح است. در فضای زندگی مدرن همه دستاوردهای زندگی بشری در اعلی جایگاه خود محقق شده است، دوران مدرنیته، دوران سیطره، کمیت است. دورانی است که در فضا و موقعیت بشری، فقدان امکانات و دستاوردهای علمی بر بشر تحمیل نمی‌شود بلکه در فضای مدرن و موقعیت جاری امروز، نوعی تفرعن را بوجود آورده که این تفرعن موجب شده تا به تعبیر کتاب مقدس او در برج بابل (در دوران مدرن) سر بر آسمان به‌ساید و در برابر خداوند سرکشی کند. سرکشی انسان در دوران مدرن و در فضای زندگی امروز، از جانب دیگری فقدان معنویت را هم به بار آورده است، یعنی انسان معاصر، انسان گسسته از آسمان هست اما در عین حال نمی‌تواند به فطرت خود پشت کند. انسان امروز، در فضای زندگی مدرن، خود را ارضا شده نمی‌بیند، هنوز هم نقاط پنهانی هست که مدرنیته و پست مدرنیته به آنها پاسخ نداده و هنوز هم فضاهای تاریکی وجود دارد که تکنولوژی نتوانسته پاسخ روشنی به آنها بدهد. این اقلیم، اقلیم گم شده روح است. اگر دوران قرن بیستم را به تعبیر نیچه، دورانی بدانیم که خدا مرده است و در عین حال دیوانه نیچه با شمشیر آخته در شهر، فریاد می‌زند: که خدا را کشته‌ام.

امروزه، مکاتب نوپدید دینی فرار است انتقام خداوند را بگیرند. اگر دوران قرن بیستم، دوران زیر رادیکال بردن خدا و کشتن او بود، قرن بیست و یکم، قرن انتقام الهی است، این انتقام الهی، در فضای ادیان کلاسیک وجود ندارد، خداوند در این ادیان رحمت خود را یک‌سره بر زندگی انسان گسترانیده و این رحمت تداوم داشته و خواهد داشت.

مکاتب نوپدید دینی، که به دنبال معنویتی فراتر از معنویت ادیان کلاسیک هستند، معنویتی را دنبال می‌کنند، که آموزه‌های فقهی ندارد، شریعتی به معنای اخص ندارد، دستاوردهای خاص حرام و حلال و باید و نباید ندارد، با این تفاسیر پیروان این مکاتب می‌گویند، عصر انتقام الهی فرا رسیده و آن خداوندی را که شما در گذشته کشتید امروز در قرن بیست و یکم می‌خواهد انتقام بگیرد. در نتیجه مکاتب نوپدید دینی بوجود می‌آیند.

مکاتب نوپدید دینی از معنویت می‌گویند، اما معنویت آنها، ملغمه‌ای‌ست از راست و دروغ، بین عالم فیزیک و متافیزیک است و سعی می‌کند بین این دو ارتباط برقرار کند. در این بین معنویت نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند.

\* انسان، به فطرت خود وابسته است و در پی تمنا این فطرت به معنویت‌های نوگرا گرایش می‌یابد، این معنویت‌ها به دنبال چه هستند؟ چه چیزی را می‌پرستند و چه آیین‌هایی دارند؟

مباحثی چون دین‌های نوظهور، فرقه‌های جدید و مکاتب نوپدید دینی، اولین بار در علوم اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم مطرح شدند. این ادیان سعی می‌کردند به برخی پرسش‌های غایی بشر و پرسش‌های وجودشناسی انسان پاسخ دهند.

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود، به کجا می‌روم، آخر نمایم وطنم

به پرسش‌های این شعر در ادیان الهی پاسخ‌های روشنی داده شده است، اما برخی از زمینه‌ها باعث شد که برخی از ادیان کلاسیک به پس‌زمینه زندگی انسان مدرن رانده شوند و توانایی پاسخ دادن به سؤالات امروزی بشر را نداشته باشند. زمینه را برای مکاتب نوپدید دینی فراهم کرد تا به پرسش‌های غایی انسان پاسخ دهند. پرسش‌هایی که می‌کوشید، خدا را در درون انسان‌ها حاضر کند و در پاسخ‌های خود تلاش می‌کرد، فضای زندگی بشر امروز را به نوعی آرامش زودگذر ارتباط دهد.

مکاتب نوپدید دینی در پی پاسخ‌های غایبی انسان بوده و هستند، اما این پاسخ با مسیر ادیان الهی و یا ادیان کلاسیک یکی نبود، بلکه راه متفاوتی را در پیش گرفتند. ادیان کلاسیک به واسطه برخی مسائل نتوانستند خود را به‌روز کنند و یا به‌روز شدن‌شان با مسائل زندگی امروز هماهنگ نشد و انسان امروزی نتوانست، به سادگی از یهودیت، مسیحیت، بودایسم و... برداشت‌های دوران مدرن خود را استیفاء کند. یک نقیبه به عالم معنا زد، اما با روشی جدید که در مکاتب نوپدید دینی وجود داشت. مکاتب نوپدید دینی پاسخ وجود شناسانه به پرسش‌های بشری می‌دهد، اما به این پرسش‌ها در ادیان کلاسیک پرداخته نشده است.

هرچه پیش می‌رویم، ادیان نوظهور، حضورشان را در زندگی امروز، بیشتر تحمیل می‌کنند؛ اولاً به دلیل اینکه شریعت خاصی ندارند، ثانیاً بخش خاصی از جامعه را هدف قرار نمی‌دهند و ادعای جهانی دارند. ثالثاً آیین‌ها و آموزه‌هایشان بسیار ساده و با زبان امروزی و در دسترس است، رابعاً مدعی‌اند، راهی که پیامبران کلاسیک نتوانستند فراهم کنند، در دوران مدرن با پیامبران جدید پیش‌روی انسان قرار دارد.

در دایره‌المعارف ادیان جدید که به تازگی در انگلستان منتشر شده، بیش از 2500 دین و مرام جدید که هر کدام متدینین و مؤمنین خاص خود را دارند شناسایی شده است. برخی از این ادیان و مکاتب بسیار فعال هستند مانند، «کلیسای شیطان»، «شاهدان یهوه»، «کلیسای علم‌شناسی»، «فرزندان خداوند»، «انکار» (دین‌نور و صورت)، «مورمون‌ها» و «جامعه بین‌المللی وجدان کریشنا»، که فضای عینی و تبلیغات رسمی را در سطح جهان دارند.

برخی دیگر هم مانند، زیرمجموعه دن و بودیسم، که در ایران تحت عنوان اوشو تبلیغ می‌شوند وجود دارند. دسته دیگری از این ادیان هم بیشتر مجازی‌اند و در اینترنت فعالیت می‌کنند و در فضاهای عینی حضور ندارند.

\* شیطان‌پرستی، به عنوان یکی از این مکاتب نوپدید دینی است که بحث اصلی این گفت‌وگو نیز می‌باشد. شیطان کیست و یا چیست؟ از انسان چه می‌خواهد؟ انسان از پرستش شیطان چه هدفی را دنبال می‌کند؟

هر ساعت از نو، قبیله‌ای با بت‌پرستی می‌رسد توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را در طول تاریخ بشریت، شیطان یک مفهوم و نماد وسوسه انسانی‌ست، کسی و یا چیزی است که در فضای زندگی بشر، او را به سوی دوزخ، افول، زندگی همراه با نکبت فرا می‌خواند.

شیطان، در برابر قوانین الهی می‌ایستد، قوانین جامعه را به سخره می‌گیرد، نوعی زندگی سرشار از نفرت، تهی‌وارگی و همراه با نوعی خشم و نسبت به اخلاقیات را به همراه دارد.

شیطان در ادبیات عرفانی ما، شخصیتی است که مظهر وسوسه‌های عمیق انسانی است. در ادبیات ادیان، جایگاه و پایگاه او ضد مسیح است و در مرتبه بالاتر ضد خداوند است. اما در هستی، به معنویات و اخلاقیات معنا می‌دهد، البته این معنا دادن به معنی داور نیست.

اگر شیطان نبود که انسان را وسوسه کند، اگر فضای زندگی انسان یک‌سره در بهشت بود و هیوطی رخ نمی‌داد، معنای زندگی برای بشر دست‌نیافتنی نبود، اگر امکان وسوسه نبود، سره از ناسره تشخیص داده نمی‌شد، در اکثر ادیان کلاسیک، شیطان کسی است که در هستی جایگاهی دارد، این جایگاه هم به واسطه، وسوسه انسان است. بر اساس عرفان اسلامی با کشتی گرفتن با او، موحدین از غیر موحدین تشخیص داده می‌شوند. شیطان نقش یک وسوسه‌گر را دارد. جایگاه شیطان، از هستی و زندگی انسان قابل حذف نیست، نقش شیطان در هستی یک‌سره منفی است، اما برای توحید و برای رستگاری، جایگاه شیطان، قابل توجه است. با وجود شیطان است که می‌توان به معنای فضیلت و رذیلت پی برد. امکان اختیار و زندگی اخلاقی در مقابل زندگی غیر اخلاقی با شأن و جایگاه منفی اما حقیقی شیطان قابل بررسی است.

\*راز پرستش شیطان چیست؟

قدرتی که بشر امروز با شیطان‌پرستی به دنبال آن است با اقتدار معنوی تفاوت دارد، قدرت شیطان‌پرستی، قدرت زودگذری است که در فضاهای مختلف نمی‌تواند خودش را در بالاترین جایگاه قرار دهد اما اقتدار معنوی به واسطه پشتوانه و جایگاهی که نسبت به خداوند عالم و نسبت به وحی الهی دارد، همیشه در بالاترین موقعیت می‌ایستد.

نور خداوند همیشه - حتی اگر مشرکان نخواهند- انتشار می‌یابد. رسولان الهی آمده‌اند تا نور و شفقت الهی را گسترش بدهند. علت اینکه چرا انسان‌ها در دوران مدرن دنباله‌رو شیطان می‌شوند و شیطان پرستی را ملجا خود قرار می‌دهند، دلایل مختلفی دارد، بخشی از آن تحلیل روانی دارد و بخش دیگری نیز تحلیل دینی و جامعه شناختی است. انسان‌هایی که از درون، افسار گسیخته هستند و به آرامش درونی و آسایش بیرونی دست نیافته‌اند به دنبال ملجا و جایگاهی برای جبران افسار گسیختگی شان هستند، شیطان پرستی بهترین ملجا و پناه برای این افراد است.

در شیطان پرستی همه چیز مجاز است، در این آیین سیاه، هر نوع لباس و پوشاک و هر نوع خوراکی مجاز است و هر نوع رفتار و ادبیاتی بدون محدودیت و بدون هیچ ساختار مشخصی آزاد است.

انسان افسار گسیخته‌ای که از محدودیت فراری است و مسئولیت اعمال خود را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد، بهترین ملجا و پناهش شیطان پرستی است. شیطانی که از عالم تاریکی و عمق بدی و پلشتی، ندا می‌دهد که آزادی مطلق و هر آنچه که می‌خواهید نزد من است. به سوی من بیایید بدون هیچ محدودیتی. شیطان با شیپور انکار خودش بسیاری از انسان‌های برون جسته از فضای وحدانی را به سمت خود می‌کشد و موجب می‌شود تا شاخه‌ای در دین پژوهی تحت عنوان «شیطان‌پرستی» بوجود بیاید یا به بیان دقیق‌تر کلیسای شیطان شکل بگیرد. هر چند در نگاه دینی، شیطان نادیده انگاشته می‌شود.

در نگاه جامعه شناختی، پیروان شیطان افرادی هستند که ادعاهای خاصی دارند و تصور می‌کنند، راه نجات را یافته‌اند و می‌خواهند آن را به بشر ارائه دهند.

\* شیطان پرستی، دارای دسته‌بندی‌هایی هم هست؟

برای این آیین دروغین، دسته‌بندی‌هایی وجود دارد، که اغلب به دو دسته شیطان پرستان فلسفی و دینی تقسیم می‌شوند. شیطان پرستی فلسفی، مبادی زندگی وحدانی و عدالت الهی را در کائنات زیر سوال می‌برد، خداوند را به عنوان قدرت وجود کائنات می‌پذیرد، اما علم و حیات و قدرت مطلق خداوند و آخرت را نمی‌پذیرد. به طور استعاری می‌توان گفت که دست‌ان خداوند را فرو می‌بندد. این نوع از شیطان‌پرستی سعی می‌کند که حضور خداوند را در زندگی انسان کم کند.

در شیطان پرستی دینی، خدا به محاق می‌رود و شیطان در جایگاه خدا می‌نشیند. نمادهای تخیلی-وهمی همراه با بت پرستی جدید که در قالب‌های پوشاک، رفتار، ادبیات و نوع خاصی از آرایش است. مطلقاً نمی‌توان ادعان کرد که شیطان پرستان به معنای فلسفی شیطان پرستی رسیده‌اند، اما نمی‌توان انکار کرد که این افراد ممکن است به شیطان پرستی دینی هم برسند. برخی افراد هم بواسطه متفاوت بودن شیطان پرستی را می‌پذیرند.

به هر حال نقطه آغاز گرایش به شیطان متفاوت است. خطر و پلیدی شیطان پرستی دینی به مراتب شدیدتر و جدی‌تر از شیطان‌پرستی فلسفی است. شیطان پرستی

دینی، بر زندگی و روان فرد تأثیراتی را می‌گذارد که باعث اعتشاشاتی در اجتماع و از بین رفتن نهاد خانواده، نابودی امنیت فردی و در نهایت به مسائلی چون خودکشی و استفاده از مواد مخدر و داروهای روان‌گردان ختم می‌شود.

\* ادیان مختلف آیین‌ها، مناسک، مراسم خود را دارند، آیین و مناسک شیطان پرستی چیست؟ و پیروان شیطان در مناسک خود چه اعمالی را انجام می‌دهند؟ برای آشنایی بهتر لازم است نگاهی به کلیسای شیطان بنیادیم. کلیسای شیطان در سال 1966 در شیکاگو توسط «آنتوان لوی» بنیان گذاشته شد. لوی در 30 آوریل همین سال خود را «اسقف اعظم کلیسای شیطان» می‌نامد و لقب پاپ سیاه را برای خود برمی‌گزیند. در کلیسا قرار می‌گیرد اما اعمال غیر متعارفی را انجام می‌دهد. اعمالی چون استفاده و نوشیدن خون، غسل تعمید با خون و استفاده از اجساد مردار حیوانات جزئی از شعائر آنها به شمار می‌رود. به بیان دقیق‌تر؛ زنا با محارم، تجاوز و سوء استفاده جنسی کودکان در انظار عمومی، عریان شدن در میان جمع همراه با رقص آتش، همراهی با موسیقی دهشتناک و مدرن و استفاده از نمادهایی که گاهی صهیونیستی است، بخش دیگری از شعائر شیطان پرستان است. استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر و موادی که در زندگی مورد توجه نیستند و اکثراً ناپاک به شمار می‌روند در شیطان‌پرستی مباح است. در واقع در این آیین ناپاکی جایگزین پاکی می‌شود. در این آیین هیچ‌گونه، حریم و یا خط قرمزی وجود ندارد. مسئولیت‌پذیری انسان نادیده گرفته می‌شود، همه چیز در زمان حال وجود دارد. مردان زن پرست، دختران تن پرست، چشمان هرزه بین، گام‌های هرزه بو. \* لباس، آرایش و مد، یکی از ابزارهای شیطان پرستی است، متأسفانه این روزها در خیابان‌های شهرمان شاهد جوانانی هستیم که ظاهر و پوشش‌شان بیانگر شیطان پرستی است، درباره لباس و آرایش شیطان پرستان توضیح بیشتری دهید؟

مدگرایی، سطحی‌ترین زاویه برخورد ما با شیطان پرستی است. اولین فصل متمایز شیطان پرستی نوع لباس، پوشاک و ادبیات است. استفاده از نمادهایی که در آن عدد شش به کار رفته، صلیب شکسته معکوس، مثلثی که در درون آن عکس یک بز وحشی در داخل یک دایره قرار گرفته، ستاره پنج پر که نماد اصلی صهیونیستی‌هاست، استفاده فراوان و شدید از رنگ قرمز و سیاه در آرایش‌ها، آرایش موی سر به شکلی که هیچ گونه نظمی در آن نباشد به رنگ‌های سیاه، قرمز و نارنجی، کوتاه‌کردن موهای سر به شکل‌های عجیب و به نحوی خاص، نزدیک شدن به نمادهای فاشیستی و هیتلری در فضای جدید امروزی، پوشیدن لباس‌های کاملاً غیرمتعارفی که هم بدن را نشان می‌دهد و هم نشان نمی‌دهد. اینها بخشی از اقدامات شیطان پرستان در مدگرایی است.

\* با این تفاسیر جوانان باید آگاهانه لباس بپوشند، اما این آگاهی به طور صحیح و اصولی به جوانان ارائه نشده است؟ شیطان پرستی به معنای دینی و حتی فلسفی آن در کشورمان، طرفداران بسیار اندک و ناچیزی دارد. اما به لحاظ نمادها، در سطح شهرها، نمادها و پوشش‌های شیطانی مشاهده می‌شود.

در گفت و گوهای که با جوانان با پوشش‌ها و تیپ‌های شیطانی داشته‌ام همگی اقرار کرده‌اند هدفشان از این نوع پوشش فقط متفاوت و متمایز بودن از دیگران است. اصلاً از موضوعی به نام شیطان‌پرستی اطلاعی ندارند، با این تفاسیر آنان شیطان‌پرست نیستند. مد همیشه معنای منفی ندارد و در صورتی که به سنت‌ها، باورها، تاریخ و هویت‌مان بازگردد، مثبت می‌شود. مد اگر به صورت غذایی نیم خورده از غرب به ما برسد، موجب می‌شود تا آن غذای نیم خورده را نشخوار کنیم. \* آیا آماري در زمینه شیطان‌پرستی و جایگاه و تعداد آنان در کشور وجود دارد؟

آمارهای رسمی و غیررسمی که در این زمینه در دسترس پژوهشگران وجود دارد، نمایانگر این است که در کشور، مجالس و مهمانی‌هایی به نام شیطان و شیطان‌پرستی برگزار می‌شود. در این مهمانی‌ها بیشتر، موسیقی‌های راک، هوی متال و موسیقی‌هایی که خشونت در آن مجاز می‌باشد به همراه رقص‌های آتش، استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر صنعتی و روانگردان نمایان است.

اگر دستاوردهای عمیق عرفان اسلامی به جوانان معرفی شود و پوچی و تهی‌وارگی شیطان پرستی را نمایان کنیم، شاهد ریزش پیروان هر چند ناچیز شیطان پرستی خواهیم بود.

هدف اصلی شیطان پرستی، پوچ جلوه دادن زندگی بشری و نادیده انگاشتن معنویت و به محاق بردن پروردگار عالم، معلق نگه داشتن جوان ایرانی بین زمین و آسمان و معلق میان دین و خانواده، معلق بین اسلام و ایران، معلق بین حقیقت و مجاز است تا به پوچی برسد. اکثر افرادی که پیرو شیطان پرستی هستند در نهایت به پوچی رسیده و خودکشی می‌کنند.

\* آمار قطعی و یا به صورت درصدی وجود ندارد؟ البته، آمارهای دقیقی در برخی زمینه‌ها وجود دارد. اما شیطان‌پرستی آن‌گونه در انگلستان، آمریکا و کشورهای غربی وجود دارد به هیچ‌وجه و با آن شدت و گستردگی در ایران وجود ندارد. شیطان‌پرستی در ایران در سطح نمایش و نمادها جلوه‌گری می‌کند. تعداد افرادی که به معنای خاص شیطان‌پرست باشند بسیار ناچیز و انگشت‌شمار است.

\* علت اصلی گسترش خودکشی میان شیطان پرستان چیست؟ شیطان پرستی به انسان می‌آموزد که باید روح خود را با خودکشی به شیطان هیه کرد. با گذشتن از مهمترین هدیه خداوند که همان جان انسان است باید روح خود را در اختیار شیطان قرار دهی. باید تنها فرصت زندگی ات را به شیطان بفروشی با نادیده گرفتن عدالت الهی و افق امید به آینده زندگی که پیشروی یک جوان وجود دارد. \* شیطان پرستان در چه حوزه‌ها و عرصه‌هایی به فعالیت می‌پردازند؟

سینما، یکی از مهمترین حوزه‌های فعالیت شیطان پرستان است. از موسیقی برای ترویج و تبلیغ نهایت استفاده را می‌برند. ورزش هم از حوزه‌هایی که شیطان پرستان در آن فعالیت دارند البته به صورت پنهان اقدام می‌کنند، برخی از ورزشکاران مطرح در غرب پیرو شیطان پرستی هستند و عده‌ای دیگر از این ورزشکاران خود را در حیطه ای که منجر به شیطان پرستی است قرار می‌دهند.

شاخه‌هایی از شیطان پرستی و حتی برخی مکاتب نوپدید دینی با صهیونیسم در ارتباط هستند به لحاظ مالی از صهیونیستها کمک می‌گیرند البته نمی‌توان همه مکاتب نوپدید دینی را به صهیونیسم ارتباط داد. نگاهی که همه چیز را در این عرصه توطئه‌آمیز ببیند پژوهشگرانه و علمی نیست. مدارکی وجود دارد گواهی می‌دهند که صهیونیستها در کمک و مساعدت به شیطان پرستی و دیگر فرقه‌های نوظهور، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. عرفان یهودی که تحت عنوان قباله یا اصطلاح انگلیسی آن «کابالا» است، زمینه‌های، مکاتب نوپدید دینی و از جمله شیطان‌پرستی را فراهم می‌کند. عرفان عدد، عرفان نماد، عرفان قدرت پیدا کردن در هستی، عرفان تصرف در کائنات در معنای منفی خودش، از جمله مواردی است که بشر گسسته از عالم معنا به دنبال آن است. بشر گسسته از خدا، به دنبال نوعی اقتدار مجازی است که البته هیچ‌گاه به آن دست نخواهد یافت، به دلیل اینکه تنها وهم و سرابی از این اقتدار را تجربه کرده است.

البته فراماسونری، شیطان‌پرستی نیست. فراماسونری دسیسه وسیع سیاسی و اجتماعی است، برای به انحراف کشاندن نخبگان یک جامعه است. هر چند بخشی از اقدامات فراماسون‌ها می‌تواند شیطان‌پرستی و یا استفاده از نمادهای شیطانی و یا مجاز شمردن برخی از اعمال شیطان‌پرستان باشد. صهیونیسم، در پی‌رخه در ادیان

کلاسیک است، صهیونیسم، خود يك مکتب نوپديد ديني است و موقعيتي مجازي و خود ساخته دارد و از مکاتب وهمي است. هرچا که ندای تفرعن و ندای تاریکي و ردالت به میان می‌آید، در پس‌پرده و نقاب، صهیونیسم مخفي شده است. ثروت، رسانه‌ها و موقعیت خاص رسانه‌اي ابزار هاي اصلي صهیونیست‌هاست. دستاوردهاي خاصي که از همکاری و همراهي رسانه و صهیونیسم، در قالب فیلم ، موسيقي، کتاب، مجلات و عکس بدست می‌آید و بهره‌ي که حاصل می‌شود ، همگي حکایت از پشتیباني صهیونیست‌ها در این عرصه دارد. صهیونیست‌ها غير حقيقي هستند و هرچا که غيرحقيقي وجود دارد، خودشان را با آن همراه کنند. صهیونیسم يك انحراف ديني است.

\*در شیطان‌پرستي، با عناويني چون کلیساي شیطان، انجيل سپاه و... که برگرفته از مسيحيت است برمي‌خوريم، علت چیست؟

انجيل اربعه، تنها دستاورد جدي و قابل پذيرش در عالم مسيحيت هستند. انجيل هفتاد سال پس از مصلوب شدن عيسي، نوشته شده است. يك فاصله تاريخي بين عيسي (ص) و انجيل وجود دارد. در کنار انجيل‌هاي قانوني، شاهد انجيل‌هاي غيرقانوني و غير رسمي (اپوکريفا) هم هستیم. این انجيل‌ها که تعداد فراواني هم دارند، در میان «مورمون‌ها»، «متديست‌ها» و حتي در فضاهاي غير رسمي پروتستان‌ها هم وجود دارد، می‌توان يك کتاب جديد به نام انجيل شیطان (bible of satan) هم وجود داشته باشد. حوزه انجيل این فرصت را فراهم می‌کند تا هرکسي بتواند به نام انجيل و عيسي سخني بگويد و از حقيقت ندایي در بياورد! اسلام تنها ديني است، که پیامبر بر سر متن دين ايستاده و از ابتدا و تا انتها به واسطه‌اي این که متون کاملاً الهي هستند، نظارت کرده و نوشته شده است. به همین دليل است که در اسلام کمترین جنبش‌ها و مکاتب ديني را شاهد هستیم. معدود مکاتبي هم که وجود دارند ناشي از فعاليت و خواست استعمار است. بهايي‌ها و وهابيون، با حمايت و پشتيباني آمريکا، انگليس و صهیونیست‌ها بوجود آمده‌اند. بيشتريين مکاتب نوپديد ديني در آيين مسيحيت بوجود آمده است.

\*علت پيدايش اين همه مکاتب نوپديد از آيين مسيحيت چیست؟

حضرت مسيح، غير از چند مورد معدود، هيچ‌گاه خود را پیامبر معرفي نکرده، ثانياً انجيل‌ها پس از مصلوب شدنش نگاشته شده‌اند، ثالثاً تشنت در کلیساهاي مسيحي و تلاش برخي براي اينکه با زبان خود و فهم خود، با مسيح همراهي کنند، مزيد بر علت شد تا این آتش افروخته‌تر شود. امروزه کلیساهاي فراواني وجود دارند که هيچ‌کدام ديگري را به رسميت نمی‌شناسند. در چنین فضاي تشنت و مسمومي، امکان روييدن قارچ‌هاي سمی هم وجود دارد.

\*وضعيت شیطان‌پرستي در جوامع اسلامي را چگونه می‌بينيد؟

در کشورهای عربي، به دليل نگرش سنت و يا همان سني بودن، در نسل‌هاي گذشته، شیطان پرستي جایگاهی نداشته است، در نسل‌هاي جديد، مگر به واسطه ماهواره، اينترنت و ديگر وسايل ارتباط جمعي، شايد تا حدي ورود پيدا کرده باشد، شیطان‌پرستي در کشورهای عربي جایگاه مستحکمي ندارد.

\* براي جلوگيري از گسترش شیطاني پرستي و ديگر مکاتب نو پديد و عرفاني‌هاي دروغين چه بايد کرد؟

دفاع عارفانه از دين، بهترين و مهمترين عامل است. پرداختن به پرسش‌هاي جديد جوانان بدون هيچ محدوديت و هيچ انگ و برچسب تخریب‌کننده‌اي ، پذيرفتن این نکته که دين در همه زمان‌ها و مکان‌ها و در میان همه افشار می‌تواند حرف نو و جديدي براي گفتن داشته باشد، بايد هنر استخراج این یافته‌هاي نو را داشته باشيم. و از همه مهمتر آشنایي عالمان و حاکمان ديني، با مکاتب نوپديد و انحرافات آنهاست. همراهي بيشتري با جوانان و شفقت بيشتري با طيف جوان که مملو از انرژي، زندگي و در عين حال متفاوت بودن است. البته بايد حساسيت بيشتري را نسبت به موضوعات و مسائل اعتقادي و عرفاني جامعه و جوانانمان داشته باشيم.

گفتگو با حجت الاسلام ادبي

حجة‌السلام و المسلمین محمد جواد ادبي دانشجوی دوره دکترای دين شناسي تطبيقي‌ست، که به صورت تخصصي مکاتب نوپديد ديني را مطالعه می‌کند. نویسنده چندین کتاب در زمینه عرفان و ادیان است، از جمله دو کتاب «آشنایي با دایره‌المعارف‌هاي ادیان» و «اسلام؛ تعامل یا تقابل با جهانی شدن» که به زودي منتشر خواهند شد.

.....  
خبرگزاری فارس